

اسلام‌پژوهش‌های روان‌شناختی

سال ششم، شماره اول، پیاپی ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۹ (ص ۴۱-۶۱)

طلاق عاطفی: نقش ویژگی‌های شخصیتی و دلبستگی به خدا

Emotional divorce: the role of personality traits and Attachment to God

عباس خلیلی / کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی با رویکرد اسلامی، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران.
رضا مهکام / دکتری روان‌شناسی، هیات علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.
حسین رضائیان بیلندی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.

Abbas Khalili / M.A in Counseling and Guidance with Islamic Approach, Institute of Ethics and Education, Qom, Iran. akhafa933@gmail.com

Reza Mahkam / PhD in Psychology, Imam Khomeini educational and Research Institute, Qom, Iran.

Hossein Rezaeian Bilondi / PH.D Student of Psychology, Imam Khomeini educational and Research Institute, Qom, Iran.

Abstract

The aim of this study was to investigate the relationship between personality traits and attachment to God with emotional divorce. The research design was descriptive and correlational. For this purpose, 238 married male and female students in Qom in the academic year 1399-1399 were selected by convenience sampling method and answered the questionnaires of emotional divorce, attachment to God and personality traits. Data were analyzed using Pearson correlation and stepwise regression tests. Findings showed that there is a relationship between extraversion and agreeable personality traits, emotional distress and openness with emotional divorce. Also, the relationship between all components of the style of attachment to God with emotional divorce was negative and significant. The

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین میزان پیش‌بین‌کنندگی ویژگی‌های شخصیتی و دلبستگی به خدا برای طلاق عاطفی انجام شد. طرح پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی بود. بدین منظور ۲۳۸ نفر از جامعه طلاب و دانشجویان مرد و زن متأهل شهر قم در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به پرسشنامه‌های طلاق عاطفی، دلبستگی به خدا و ویژگی‌های شخصیتی پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که بین ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی و موافق بودن، روان‌آزردگی و گشودگی با طلاق عاطفی ارتباط وجود دارد. همچنین رابطه بین همه مؤلفه‌های سبک دلبستگی به خدا با طلاق

results of stepwise multiple regression analysis showed that personality traits of extroversion and agreeing negatively and personality traits of being conscientious and psychologically positively predict a total of 12% of the variance of emotional divorce. Also, the component of positive view of God and seeking the components of attachment to God also explain a total of 15% of the variance of emotional divorce. These findings show the important role of personality traits and attachment to God in predicting emotional divorce between couples.

Keywords: Personality Traits, Emotional Divorce, Attachment to God.

عاطفی منفی و معنادار بود. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه گام به گام نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی و موافق بودن به صورت منفی و ویژگی‌های شخصیتی باوجدان بودن و روان‌آزردگی به صورت مثبت در مجموع ۱۲ درصد از واریانس طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین مؤلفه دید مثبت از خدا و جوارجویی از مؤلفه‌های دلبستگی به خدا نیز در مجموع ۱۵ درصد از واریانس طلاق عاطفی را تبیین می‌کنند. این یافته‌ها نقش مهم و ویژگی‌های شخصیتی و دلبستگی به خدا در پیش‌بینی طلاق عاطفی بین زوجین را نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: ویژگی‌های شخصیتی، طلاق عاطفی، دلبستگی به خدا.

مقدمه

صاحب‌نظران معتقدند خانواده از نخستین نظام‌های نهادی عمومی و جهانی است که برای رفع نیازمندی‌های حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت دارد روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مناسب‌تر باشد، خانواده و به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است. هیچ جامعه‌ای بدون داشتن خانواده‌های سالم نمی‌تواند ادعای سلامت کند و هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی بی‌تأثیر از خانواده پدید نیامده‌اند (اعزاز، ۱۳۸۸، ص ۱۲).

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانوادگی طلاق است؛ اما آمار رسمی طلاق به‌طور کامل نشان‌دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست؛ زیرا در کنار آن آمار بزرگ‌تر به طلاق‌های عاطفی اختصاص دارد، یعنی به زندگی‌های خاموش و خانواده‌هایی که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی می‌کنند؛ ولی تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند. در واقع برخی ازدواج‌ها که با طلاق پایان نمی‌یابند، به ازدواج‌های توخالی تبدیل می‌شوند که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی هستند و همسران فقط با جریان زندگی خانوادگی به پیش می‌روند و

زمان را سپری می‌کنند (محمدی، ۱۳۹۳).

پل بوهانان^۱ (۱۹۷۰) طلاق عاطفی را اولین مرحله در فرایند طلاق و بیان‌گر رابطه زناشویی رو به زوالی می‌داند که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود. دفراین^۲ (۲۰۰۶) معتقد است زن و شوهر اگرچه ممکن است با هم بودن را مانند یک گروه اجتماعی ادامه دهند، اما جاذبه و اعتماد آنها نسبت به یکدیگر از بین رفته است (بخارایی، ۱۳۹۶، ص ۲۲۱).

با توجه به اینکه زناشویی پیوند دو شخصیت است و شخصیت با زیرساخت روانی روابط بادوام، رابطه دارد، بنابراین از پیش‌بینی کننده‌های کلیدی و اصلی موفقیت و شکست در ازدواج به شمار می‌رود. چنین به نظر می‌رسد که شخصیت، الگوهای تعاملی زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شاید بتوان گفت بسیاری از ناراضی‌های زناشویی و طلاق متأثر از ویژگی‌های شخصیتی افراد است (صائمی و صادق مزجی، ۱۳۹۶).

برای شخصیت، تعاریف مختلفی را آورده‌اند؛ اما از جمله مهم‌ترین و با نفوذترین مدل‌ها در بررسی صفات شخصیت در دهه‌های اخیر مدل پنج عاملی مک کری و کاستا^۳ (۲۰۰۴) بوده است که بیش از همه، پژوهش در حوزه شخصیت را به خود اختصاص داده است. به گفته مک کری و کاستا ویژگی‌ها و عوامل شخصیتی، مجموعه‌ای پایدار از ویژگی‌ها و گرایش‌های مشابه است و تفاوت‌های رفتار روان‌شناختی افراد (افکار، احساسات و اعمال) را که دارای تداوم زمانی بوده و ممکن است به واسطه فشارهای اجتماعی و خانوادگی موقعیت‌های بلاواسطه شناخته شوند یا به آسانی درک نشوند مشخص می‌کند (حق شناس، ۱۳۸۸، ص ۵۶).

کِرک پاتریک^۴ (۱۹۹۹) یکی از نظریه پردازان در زمینه دلبستگی به خدا، این نوع دلبستگی را، دلبستگی به مراقب اولیه در دوران کودکی که با گذشت زمان و در چارچوب نظام‌های دیگر همانند دلبستگی به خدا و وطن ادامه می‌یابد تعریف می‌کند. دلبستگی به خدا از عوامل مؤثر در تعاملات فردی است که در نتیجه روابط فرد با چهره‌های دلبستگی شکل می‌گیرد. بی‌شک دلبستگی به خدا در رابطه بین انسان و خدا را می‌توان به عنوان رابطه دلبستگی تجسم نمود. در این الگوی رابطه‌ای می‌توان گفت که خداوند خیلی از عملکردهای موضوع دلبستگی از قبیل پناهگاه امن بودن در مواقع تهدید که با اتکای به او بسیاری از افراد مؤمن جرئت مواجهه با چالش‌های مختلف زندگی را پیدا می‌کنند را دارا می‌باشد. افزون بر این،

1. Paul Bvhanan.

2. Dfrayn.

3. McCrae , Kasta.

4. Kirkpatrick.

افراد احتمال دارد رفتارهایی را در ارتباط با خدا نشان دهند که ویژگی‌های رابطه دلبستگی می‌باشد. این رفتارها را می‌توان جوارجویی از طریق دعا و نیایش یا مناسک، اضطراب جدایی، اعتراض به جدایی در صورت ادراک دوری خدا به حساب آورد (کرک پاتریک و شیورا، ۲۰۱۰). بنا بر اهمیت موضوع طلاق عاطفی و نقش ویژگی‌های شخصیتی و دلبستگی به خدا تاکنون تحقیقات وسیعی با محوریت این دو متغیر انجام شده است؛ اما تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و دلبستگی به خدا بر طلاق عاطفی مورد بررسی قرار نگرفته است، از این رو در پژوهش حاضر نقش ویژگی‌های شخصیتی و دلبستگی به خدا در طلاق عاطفی مورد بررسی قرار گرفت.

فرضیه‌های پژوهش:

۱. بین ویژگی‌های شخصیتی و طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین دلبستگی به خدا و طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد.
۳. ویژگی‌های شخصیتی بخش معناداری از واریانس طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کنند.
۴. سبک دلبستگی به خدا و مؤلفه‌های آن بخش معناداری از واریانس طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کنند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ روش مقطعی- توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر عبارت‌اند از تمامی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه سراسری قم شاغل به تحصیل در مقاطع کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ و همچنین طلاب متأهل شاغل به تحصیل در سطوح ۱، ۲ و ۳ مدارس حوزه علمیه قم در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹. با توجه به آمارهای غیررسمی اعلام شده از سوی این مراکز، جامعه آماری پژوهش در مجموع حدود ۲۰۰۰۰ نفر می‌باشند.

ابزار گردآوری داده‌ها

پرسشنامه طلاق عاطفی

پرسشنامه طلاق عاطفی پورحسین و بیدست (۱۳۹۳) یک آزمون خودگزارشی جهت سنجش و برآورد میزان رابطه عاطفی در طیفی از پیوند عاطفی تا طلاق عاطفی در روابط همسران می‌باشد. مقیاس طلاق عاطفی دارای ۳۲ گویه است که از افراد در مورد چگونگی

رابطه با همسرشان سؤال شده است. درستی آزمایی محتوایی و صوری آن توسط پنج تن از اساتید مجرب این حوزه ارزیابی و مورد تأیید قرار گرفته است. اعتبار محتوایی و صوری آزمون سنجیده شد و میانگین درصد توافق کارشناسان ۷۰/۱۴ به دست آمد. پورحسین و بیدست (۱۳۹۳) نشان دادند که آلفای کرونباخ این مقیاس ۸۸۴/۰ می‌باشد که بیانگر همسانی درونی آزمون است.

پرسشنامه دلبستگی به خدا

پرسشنامه دلبستگی معنوی مسلمانان یا پرسشنامه دلبستگی به خدا با هدف سنجش دلبستگی مسلمانان به خدا تهیه شده است (غباری بناب و حدادی کوهسار، ۱۳۹۰). فرم نهایی پرسشنامه پس از حذف سؤالات ناهمگن با کل پرسشنامه به صورت ۳۷ سؤالی ارائه شده است که هر گزاره آن در یک طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از عدم توافق خیلی شدید (۱) تا توافق خیلی شدید (۷) نمره‌گذاری می‌شود. ابعاد دلبستگی به خدا عبارت‌اند از پایگاه ایمن، منبع آرامش، اعتراض به جدایی، جوارجویی، دید مثبت نسبت به خود، دید مثبت از خدا. شاخص آلفای کرونباخ برای هرکدام از ابعاد نشان دهنده همسانی درونی بالای هرکدام از ابعاد پرسشنامه است. آلفای کرونباخ برای بعد الگوی درونی از خدا ۰/۹ الگوی درونی از خود ۰/۸۵ شده است. همسانی درونی عامل پایگاه امن ۰/۸۸، عامل پناهگاه مطمئن ۰/۹۳، عامل اعتراض به جدایی ۰/۸۶ و عامل جوارجویی ۰/۹ گزارش شده است (غباری بناب، حدادی کوهسار، ۱۳۹۰).

پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نئو (NEO-FFI)

بسیاری از روان‌شناسان از مدل پنج عاملی شخصیت مک‌کری و کاستا (۱۹۹۵) برای بررسی ویژگی‌های شخصیتی استفاده کردند. این پنج عامل عبارتند از: ۱. ثبات عاطفی در برابر نوروژگرای، ۲. گشودگی به تجربه (دارای فطرت خوب، خوش‌خلق و با اعتماد)، ۳. وجدان‌گرایی (منظم، مسئول و قابل اعتماد)، ۴. برون‌گرایی (پرحرف، جسور و با انرژی)، ۵. توافق‌پذیری. ضرایب اعتبار این پرسشنامه بین ۰/۸۳ تا ۰/۷۵ به دست آمده است. اعتبار درازمدت این پرسشنامه نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است. یک مطالعه طولانی ۶ ساله روی مقیاس‌های روان‌آزردگی خویی، برون‌گرایی و باز بودن نسبت به تجربه، ضریب‌های اعتبار ۰/۶۸ تا ۰/۸۳ را در گزارش‌های شخصی و نیز در گزارش‌های زوج‌ها نشان داده است. ضریب

اعتبار دو عامل سازگاری و با وجدانی به فاصله دو سال به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۶۳ بوده است (مک کری و کاستا، ۱۹۸۳ به نقل از گروسی فرشی، ۱۳۸۰). در پژوهش آتش روز (۱۳۸۶) با استفاده از روش همسانی درونی، ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از ۵ صفت: روان آزردهگی خوبی، برون گرایی، گشودگی، سازگاری و وجدانی بودن به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۵۵، ۰/۲۷، ۰/۳۸ و ۰/۷۷ به دست آمد.

یافته های پژوهش

از مجموع ۲۳۸ نفر گروه نمونه، ۱۴۹ نفر (۶۳ درصد) مرد و ۸۹ نفر (۳۷ درصد) زن می باشند. به لحاظ تحصیلی ۱۵۴ نفر (۶۵ درصد) طلبه و ۸۴ نفر (۳۵ درصد) دانشجو می باشند. ۵/۵ درصد ۲۰ تا ۳۰ ساله، ۲۹/۹ درصد ۳۱ تا ۴۵ ساله، ۴/۶ درصد ۴۶ تا ۶۰ ساله می باشند. به لحاظ سطح تحصیلات ۴۸ نفر (۲۰ درصد) از شرکت کنندگان لیسانس، ۱۵۲ نفر (۵۲ درصد) فوق لیسانس، ۶۶ نفر (۲۸ درصد) فوق لیسانس هستند. همانگونه که مشاهده می شود، بیشترین فراوانی را افراد در مقطع تحصیلی فوق لیسانس (۱۲۴ نفر) و کمترین فراوانی مربوط به مقطع دیپلم (۴۸ نفر) می باشد. به لحاظ مدت ازدواج ۴۱/۶ درصد یک تا پنج سال، ۴۶/۶ درصد شش تا پانزده سال و ۱۱/۸ درصد شانزده تا سی سال از زمان ازدواجشان می گذرد. در جدول ۱ ویژگی های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱- ویژگی های توصیفی متغیرهای پژوهش

| متغیر | میانگین | انحراف استاندارد | متغیر | میانگین | انحراف استاندارد |
|---------------|---------|------------------|-----------------|---------|------------------|
| روان آزردهگی | ۱۴/۲۹ | ۴/۷۱ | پایگاه ایمن | ۲۵/۸۷ | ۵/۱۶ |
| برون گرایی | ۳۲/۱۶ | ۴/۲۹ | منبع آرامش | ۳۷/۲۷ | ۶/۵۳ |
| گشودگی | ۲۹/۱۶ | ۳/۴۸ | اعتراض به جدایی | ۲۶/۰۶ | ۵/۰۵ |
| موافق بودن | ۳۳/۰۲ | ۴/۵۹ | جوارجویی | ۳۶/۹۳ | ۶/۳۹ |
| با وجدان بودن | ۳۴/۵۰ | ۵/۳۵ | دید مثبت به خود | ۲۶/۱۳ | ۵/۰۴ |
| طلاق عاطفی | ۴۲/۱۷ | ۱۵/۳۹ | دید مثبت از خدا | ۴۲/۱۰ | ۷/۶۵ |
| | | | نمره کل | ۱۹۴ | ۳۴ |

برای بررسی فرضیه اول پژوهش (بین ویژگی های شخصیتی و طلاق عاطفی رابطه

معناداری وجود دارد) در جدول ۲، ضرایب همبستگی ویژگی‌های شخصیتی و طلاق عاطفی به همراه سطوح معناداری ارائه شده است.

جدول ۲- ضرایب همبستگی پیرسون بین ویژگی‌های شخصیتی و طلاق عاطفی

| ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ | |
|--------|--------|--------|---------|---------|------------------|
| | | | | ۱ | ۱. طلاق عاطفی |
| | | | ۱ | ۰/۱۹** | ۲. روان‌آزردگی |
| | | ۱ | -۰/۲۷** | -۰/۲۵** | ۳. برون‌گرایی |
| | ۱ | -۰/۱۴* | ۰/۲۱** | ۰/۱۲* | ۴. گشودگی |
| ۱ | ۰/۰۱ | ۰/۳۳** | -۰/۲۱** | -۰/۲۲** | ۵. موافق بودن |
| ۰/۲۶** | -۰/۱۳* | ۰/۳۳** | -۰/۴۷** | ۰/۰۱ | ۶. با وجدان بودن |

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود: طبق ماتریس همبستگی بین ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی و موافق بودن با طلاق عاطفی در دامنه‌ای بین $r = -0/22$ تا $r = -0/25$ ارتباط معنادار ($P > 0/01$) معکوس و با شدت ضعیف وجود دارد. بیشترین ضریب همبستگی در این جهت بین ویژگی شخصیتی برون‌گرایی با طلاق عاطفی می‌باشد. این بدان معناست که با افزایش نمره ویژگی شخصیتی برون‌گرایی آزمودنی‌ها، نمره طلاق عاطفی آنها کاهش می‌یابد. همچنین ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی روان‌آزردگی و گشودگی با طلاق عاطفی در دامنه‌ای بین $r = 0/12$ تا $r = 0/19$ ارتباط معنادار ($P > 0/01$) مستقیم و با شدت ضعیف به دست آمده است؛ یعنی با افزایش نمره ویژگی‌های شخصیتی روان‌آزردگی و گشودگی آزمودنی‌ها، نمره طلاق عاطفی آنها افزایش می‌یابد. بدین ترتیب، فرضیه اول پژوهش درباره چهار ویژگی شخصیتی از پنج بعد شخصیت، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

برای بررسی فرضیه دوم پژوهش (بین دلبستگی به خدا و طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد)، در جدول ۳، ضرایب همبستگی مؤلفه‌های دلبستگی به خدا و طلاق عاطفی به همراه سطوح معناداری ارائه شده است.

جدول ۳- ضرایب همبستگی پیرسون بین دلبستگی به خدا و طلاق عاطفی

| ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ | |
|--------|--------|--------|--------|--------|--------|---------|---------------------------|
| | | | | | | ۱ | ۱. طلاق عاطفی |
| | | | | | ۱ | -۰/۳۰** | ۲. پایگاه ایمن |
| | | | | ۱ | ۰/۸۸** | -۰/۳۳** | ۳. منع آرامش |
| | | | ۱ | ۰/۹۰** | ۰/۸۱** | -۰/۳۴** | ۴. اعتراض به جدایی |
| | | ۱ | ۰/۸۹** | ۰/۹۴** | ۰/۹۰** | -۰/۳۱** | ۵. جوارجویی |
| | ۱ | ۰/۹۱** | ۰/۸۹** | ۰/۹۲** | ۰/۸۸** | -۰/۳۳** | ۶. دید مثبت به خود |
| ۱ | ۰/۹۲** | ۰/۹۳** | ۰/۹۰** | ۰/۹۳* | ۰/۸۸** | -۰/۳۸** | ۷. دید مثبت از خدا |
| ۰/۹۷** | ۰/۹۶** | ۰/۹۷** | ۰/۹۳** | ۰/۹۷** | ۰/۹۳** | -۰/۳۵** | ۸. نمره کل دلبستگی به خدا |

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود: طبق ماتریس همبستگی میان نمره همه مؤلفه‌های سبک دلبستگی به خدا با نمره کل طلاق عاطفی، رابطه معنادار، معکوس و با شدت متوسط در دامنه $r = -0/30$ تا $r = -0/38$ وجود دارد ($P > 0/01$). طبق جدول و به صورت جزئی‌تر از بین مؤلفه‌های سبک دلبستگی به خدا، مؤلفه دید مثبت از خدا بالاترین همبستگی منفی را با طلاق عاطفی دارد که این بدان معناست که با افزایش نمره دید مثبت از خدا آزمون‌های، نمره طلاق عاطفی آنها کاهش می‌یابد. همچنین ارتباط بین همه مؤلفه‌های سبک دلبستگی به خدا با یکدیگر در دامنه‌ای بین $r = 0/81$ تا $r = 0/97$ ارتباط معنادار مثبت و با شدت قوی به دست آمده است. برای نمره کل دلبستگی به خدا نیز با طلاق عاطفی رابطه منفی و معناداری ($r = -0/35$ ، $P > 0/01$) به دست آمد.

جهت بررسی فرضیه سوم (ویژگی‌های شخصیتی بخش معناداری از واریانس طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کنند)، پس از بررسی مفروضه‌های تحلیل رگرسیون از جمله نرمال بودن توزیع نمرات بر اساس نتایج آزمون کولموگراف اسمیرنوف ($P > 0/05$)، استقلال خطاها با توجه به مقدار عددی آزمون دوربین- واتسون، خطی بودن رابطه میان متغیرهای پیش‌بین با توجه به رسم نمودار پراکنش و عدم وجود هم‌خطی چندگانه، از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شده است.

جدول ۴- ضرایب متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون مربوط به طلاق عاطفی

| شاخص متغیر | ضریب غیراستاندارد بتا | ضریب خطای معیار | ضریب استاندارد بتا | T | سطح معناداری |
|---------------|-----------------------|-----------------|--------------------|--------|--------------|
| مقدار ثابت | ۴۴,۸۵۹ | ۱۴,۲۱۸ | | ۳,۱۵۵ | ۰,۰۰۲ |
| برون‌گرایی | -۰,۸۰۸ | ۰,۲۴۱ | -۰,۲۲۶ | -۳,۳۵۱ | ۰,۰۰۱ |
| موافق بودن | -۰,۵۵۵ | ۰,۲۲۰ | -۰,۱۶۶ | -۲,۵۲۷ | ۰,۰۱۲ |
| با وجدان بودن | ۰,۶۵۶ | ۰,۲۰۷ | ۰,۲۲۸ | ۳,۱۷۴ | ۰,۰۰۲ |
| روان‌آزردگی | ۰,۶۵۳ | ۰,۲۲۸ | ۰,۲۰۰ | ۲,۸۶۱ | ۰,۰۰۵ |

نتایج ضرایب بتای استاندارد شده نشان می‌دهد ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی ($B=-0,226, P<0,001$) و موافق بودن ($B=0,169, P<0,012$) به صورت منفی و ویژگی‌های شخصیتی با وجدان بودن ($B=0,228, P<0,002$) و روان‌آزردگی ($B=0,20, P<0,005$) به صورت مثبت طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کنند.

فرضیه چهارم: سبک دلبستگی به خدا و مؤلفه‌های آن بخش معناداری از واریانس طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کنند.

جدول ۵- ضرایب متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون مربوط به طلاق عاطفی شخصی

| شاخص متغیر | ضریب غیراستاندارد بتا | ضریب خطای معیار | ضریب استاندارد بتا | T | سطح معناداری |
|-----------------|-----------------------|-----------------|--------------------|--------|--------------|
| مقدار ثابت | ۷۱,۱۰۱ | ۵,۴۰۳ | | ۱۳,۱۵۹ | ۰,۰۰۰ |
| دید مثبت از خدا | -۱,۴۱۳ | ۰,۳۴۸ | -۰,۷۰۳ | -۴,۰۶۳ | ۰,۰۰۰ |
| جوارجویی | ۰,۸۲۷ | ۰,۴۱۷ | ۰,۳۴۳ | ۱,۹۸۵ | ۰,۰۴۸ |

نتایج ضرایب بتای استاندارد شده نشان می‌دهد مؤلفه دید مثبت از خدا ($B=-0,703, P<0,0001$) به صورت منفی و مؤلفه جوارجویی ($B=0,343, P<0,04$) به صورت مثبت طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کنند. در مجموع و با توجه به جداول رگرسیون، خرده‌مقیاس‌های متغیر ویژگی‌های شخصیتی و متغیر دلبستگی به خدا به صورت معنادار حدود ۲۷ درصد از واریانس طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کنند و بر این اساس فرضیه سوم و چهارم پژوهش نیز تأیید گردید.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد بین ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی و موافق بودن با طلاق عاطفی ارتباط معنادار ($P < 0.01$) معکوس و با شدت ضعیف وجود دارد. همچنین ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی روان‌آزردگی و گشودگی با طلاق عاطفی ارتباط معنادار ($P < 0.01$) مستقیم و با شدت ضعیف به دست آمده است. نتایج به دست آمده از این پژوهش با مطالعه زمانی و دیگران (۱۳۹۶) نشان دادند که بین عامل روان‌آزرده خویی و طلاق عاطفی زوجین رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد و بین عامل برون‌گرایی، عامل پذیرا بودن و طلاق عاطفی زوجین رابطه معکوس معنی‌دار وجود دارد؛ هم‌سو و هماهنگ است. همچنین با یافته‌های پژوهش پور مرزدشتی و رسول‌زاده طباطبایی (۱۳۹۵) که نشان داد هرچه فرد برون‌گراتر و انعطاف‌پذیرتر باشد، احتمال وقوع طلاق عاطفی کمتر می‌باشد؛ زیرا افراد برون‌گرا به دلیل بروز احساسات و عواطف خود، بهتر می‌توانند با شریک خود رابطه برقرار کنند و نیز افرادی که انعطاف‌پذیری بیشتری دارند بهتر با شرایط سازگار می‌شوند و رابطه بهتری برقرار می‌کنند، هم‌سو و هماهنگ است.

در تحلیل یافته‌ها می‌توان گفت از یک طرف با توجه به ویژگی‌های افرادی که دارای شخصیت برون‌گرا هستند بر اساس نظریه‌ها، افرادی جامعه‌گراتر، دارای توانایی کلامی بیشتر، دارای توانایی اجتماعی بالاتر و ریسک‌پذیری بیشتر، تحرك و برانگیختگی جنسی بیشتری معرفی شده‌اند و در مقابل افراد درون‌گرا علاقه‌ای به نزدیکی و تعامل و ارتباط با دیگران ندارند و تلاشی برای ابراز محبت از خود نشان نمی‌دهند و همچنین دوستی، ارتباط عاطفی در این افراد تحت تأثیر بی‌تفاوتی است. این افراد در ایجاد ارتباط چه از طریق ابراز محبت و اهمیت دادن به احساس‌ها و چه از طریق دریافت علاقه و محبت و توجه دیگران، ناتوان هستند و نیز این افراد در پایین‌ترین سطح درجه احساسی قرار دارند. افرادی که دارای این ویژگی هستند، اگر به علت نیاز اجتماعی به ازدواج تن دهند، توانایی ابراز عشق و علاقه به همسر را ندارند و از آنجایی که یکی از مؤلفه‌های اصلی طلاق عاطفی، کناره‌گیری عاطفی است، منطقی به نظر می‌رسد که افراد با ویژگی شخصیتی برون‌گرایی با طلاق عاطفی رابطه‌ای معکوس داشته باشند.

افراد دارای ویژگی شخصیتی انعطاف‌پذیری، افرادی هستند که دارای قدرت انطباق‌پذیری بالا، به لحاظ ذهنی باز، تنوع طلب، احساس زیبایی‌پسندی، توجه به احساسات درونی و

تجربه‌گرا هستند. از طرف دیگر انعطاف‌پذیری به ویژگی شخصیتی هر فرد گفته می‌شود که در درون فرد نهادینه شده است. البته هر فرد به میزان و درجات متفاوتی از این فاکتور برخوردار است، می‌توان گفت انعطاف‌پذیری به نحوه رویارویی فرد با مسائل و تجربه‌های جدید ظاهر می‌گردد. به طور کلی نحوه برخورد با مسائل و تطبیق با شرایط و وضعیت موجود را انعطاف‌پذیری می‌نامند (حق شناس، ۱۳۹۳). در نتیجه هرچه فرد دارای انعطاف بیشتری باشد، امکان استفاده از مکانیسم‌سازش در جهت حل مسائل زناشویی را دارد و در نتیجه کمتر وارد مراحل طلاق عاطفی می‌شود. افراد با انعطاف‌پذیری کم به جای استفاده از مکانیسم مسئله‌محور برای حل تعارض زناشویی خود، به نوعی از مکانیسم دفاعی فرار یا رشد نیافته استفاده کرده و وارد مدار یا چرخه فرآیند طلاق عاطفی قرار می‌گیرند. بنابراین انعطاف‌پذیری کم همراه با ویژگی درون‌گرایی به عنوان دو ویژگی شخصیتی در پیش‌بینی طلاق عاطفی مؤثر بوده و توجیه‌کننده طلاق عاطفی می‌باشند.

بر اساس یافته‌ها بین دلبستگی به خدا و طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد. به صورت جزئی‌تر، از بین مؤلفه‌های سبک دلبستگی به خدا، مؤلفه دید مثبت از خدا بالاترین همبستگی منفی را با طلاق عاطفی دارد که این بدان معناست که با افزایش نمره دید مثبت از خدا آزمودنی‌ها، نمره طلاق عاطفی آنها کاهش می‌یابد. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت که فرض صفر (عدم رابطه معنادار بین دلبستگی به خدا و طلاق عاطفی) رد شده و فرض پژوهشی دوم یعنی «وجود رابطه معنادار میان دلبستگی به خدا و طلاق عاطفی» تأیید می‌گردد.

اگرچه بررسی محقق در مورد رابطه دلبستگی به خدا و طلاق عاطفی، یافته‌ای دربرداشت؛ ولی نتایج پژوهش حاضر با مباحث نظری در باب تأثیر دین‌داری و معنویت در روابط بین فردی و تحقیقاتی که نشان دادند بین دلبستگی به خدا با کیفیت زناشویی (امان‌الهی، ایزدی‌پناه و سودانی، ۱۳۹۴) و رضایت زناشویی (باقری، ۱۳۹۲؛ حیدریان، ۱۳۹۳) رابطه وجود دارد، همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت «دلبستگی به خدا» به عنوان یکی از نمادهای دین‌داری مؤثر در بهبود زندگی افراد (سیمایی، ۱۳۸۸) تحت عنوان ارتباط و گرایش عاطفی فرد به خداوند تعریف می‌شود. در این تعلق خاطر، خداوند به عنوان پایگاه امنی شناخته می‌شود که در همه شرایط می‌توان او را جستجو کرد (گرنکوئیست، مایکولینسر و شیور، ۲۰۱۰).

بنابراین با اشاره به نظر کرک پاتریک (۱۹۹۹)، به نقل از اکازی^۱، (۲۰۱۰) که افراد در زمان گرفتاری یا تهدید، خدا را به عنوان یک پایگاه امن یا سرپناه ایمن جستجو می‌کنند، می‌توان گفت فرد دارای دلبستگی ایمن به خدا در جای جای زندگی در جستجو و طلب مجاورت با چهره دلبستگی (خداوند) و به دنبال جلب توجه و انس بیشتر با اوست. چنین فردی در ایفای نقش‌هایی که در زندگی و روابط خود با دیگرانی همچون همسر به عهده دارد رفتاری آگاهانه و هدفمند در جهت کسب رضایت خداوند را در پیش می‌گیرد. از سوی دیگر چنین فردی در شرایط استرس، درماندگی و بحران، به عنوان یک پناهگاه مطمئن به خداوند رو می‌آورد که نتیجه آن رهایی از ناامیدی و ناکامی و در نهایت عبور به سلامت از موقعیت بحران است. برای چنین فردی، خدا پایه و اساس ایمنی است، بنابراین با پناه بردن به خدا، احساس قدرت و اعتماد به نفسی در لحظات اضطراب‌آور فراز و فرودهای زندگی به سراغش می‌آید که می‌تواند با آرامش و تسلط با آن‌ها مواجه شود. چنین فردی طاقت دوری از خدا را ندارد، بنابراین از هرگونه آزار، بد اخلاقی و بی‌مسئولیتی نسبت به همسر که می‌تواند حس اضطراب جدایی را در وی ایجاد کند، پرهیز کرده یا در صورت ارتکاب، سریعاً به دنبال جبران آن برمی‌آید.

افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی به خداوند نه تنها برای نزدیک شدن به خداوند انگیزه ندارد، بلکه جهت نزدیک شدن به خداوند احساس نیاز هم نکرده و ترجیح می‌دهند رابطه خیلی عمیقی با وی نداشته باشد. چنین فردی از اینکه خداوند بر تمامی جنبه‌های زندگی او کنترل داشته باشد، احساس ناراحتی می‌کند؛ بنابراین فردی با این خصوصیات نمی‌تواند در مورد زندگی زناشویی خود احساس خوشبختی نماید و درک این فرد از کیفیت زناشویی و به دنبال آن رضایت زناشویی دچار کاهش می‌شود. پژوهش‌های متعدد نشان داده است که افراد دارای این نوع سبک دلبستگی اگر از لحاظ مذهبی در سطح بالایی نباشند، بیشتر مستعد طلاق عاطفی هستند.

افراد دارای سبک دلبستگی اضطرابی، نسبت به خدا نیز به صورت دائمی نگران رابطه خود با خداوند هستند. این افراد در حالی که زندگی خود را کاملاً وابسته به خداوند می‌دانند و تلاششان در جهت برقراری ارتباط معنوی، صمیمی و عاطفی با خداوند است؛ اما نسبت به چگونگی نگرش خداوند نسبت به خود سردرگم بوده و نسبت به حمایت و حفاظت وی

اطمینان ندارند. عدم اطمینان به ثبات در پاسخ‌گویی و حامی بودن خدا، نگرانی‌هایی را وارد زندگی این افراد می‌کند که باعث می‌شود در چالش‌های زندگی نسبت به خود دیدگاه منفی داشته و خود را مستحق عدم اعتماد به نفس بدانند. این افراد ارزیابی مثبتی از افراد دیگر دارند، بر مسئله پذیرش و تأیید از سوی دیگران بسیار ارزش می‌نهند و اغلب نگرانند که شریک زندگیشان واقعاً آن‌ها را دوست نداشته باشد یا نخواهد که با آن‌ها بماند (قنبری هاشم‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۰). این موضوع قدرت مقابله مؤثر با چالش‌های زندگی و روابط با همسر را از این افراد سلب نموده و در نهایت باعث می‌شود رضایت زناشویی آسیب ببیند. بر اساس یافته‌ها از بین ویژگی‌های شخصیتی، برون‌گرایی قوی‌ترین رابطه را با طلاق عاطفی دارد. این متغیر ۶ درصد از میزان طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کند. نتایج ضرایب بتای استاندارد شده نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی و موافق بودن به صورت منفی و ویژگی‌های شخصیتی باوجدان بودن و روان‌آزردگی به صورت مثبت در مجموع ۱۲ درصد از واریانس طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کنند.

این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های پیشین هماهنگ است (برای مثال، کارنی و برابری، ۱۹۹۵؛ رابینز و دیگران، ۲۰۱۰ و شکرکن و دیگران، ۱۳۸۵). نوروزگرایی عاملی از شخصیت است که ثبات عاطفی بالا و اضطراب پایین در یک طرف پیوستار و ثبات عاطفی پایین و اضطراب بالا در سمت دیگر آن قرار دارد. مردان و زنان دارای نمره بالا در این ویژگی، عواطف غیرمنطقی بیشتر، کم‌توانی در رفتارها، برانگیختگی و ضعف در مقابله با مشکلات دارند. از توصیف‌های شخصیت با نمره بالا در عامل نوروزگرایی این است که آنها دمدمی مزاج، بسیار تحریک‌پذیر هستند که این ویژگی برابر توصیف زن و شوهرهای ناراضی و دچار طلاق عاطفی هم به‌کار می‌رود. از طرفی توافق، گشودگی و مسئولیت‌پذیری ویژگی‌هایی هستند که باعث می‌شود فرد رفتارهایی همانند همراهی، همدلی، تواضع و دیگر دوستی را بروز دهند. چنین فرد سازش‌یافته‌ای، دلسوز و مراقب دیگران است و بهتر می‌تواند زندگی مشترک را پیش ببرد (لاش بری و دیگران، ۲۰۰۵). مطالعه صادق مزجی و صائم (۱۳۹۶) نیز نشان داد که ۳۲٪ از تغییرات طلاق عاطفی به‌وسیله ویژگی شخصیتی نوروزگرایی و موضوعات شخصیتی در آزمون انریچ قابل پیش‌بینی است.

نتایج نشان می‌دهد که متغیر مسئولیت‌پذیری پیش‌بینی‌کننده خوبی برای رضایت زناشویی است. در تبیین این یافته می‌توان گفت همسرانی که وظیفه شناس نیستند

از همسرشان عیب‌جویی و انتقاد بیشتری دارند؛ در نتیجه، میزان یا شدت انتقادهای منفی زناشویی افزایش می‌یابد و باعث ناسازگاری بیشتر و در نتیجه طلاق عاطفی خواهد شد (دافلان و دیگران، ۲۰۰۴).

نتایج مربوط به رابطه میان نوروزگرایی با طلاق عاطفی نیز نشان داد که بین این دو متغیر رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این نتایج با یافته‌هایی همچون ساداتی و همکاران مطابقت داشت. این پژوهشگران گزارش کردند که زوجینی که از صفت نوروزگرایی بالاتری برخوردارند، در روابط خود، بخشش و گذشت کمتری را تجربه می‌کنند و احتمال دل‌زدگی در رابطه آنها با یکدیگر بیشتر است. صادقی و روشن‌نیا نیز در پژوهش خود در زمینه رابطه تشابه ویژگی‌های شخصیتی زوجین با رضایت زناشویی که بر روی ۱۱۱ زوج اجرا نمودند، گزارش نمودند در ویژگی شخصیتی نوروزگرایی، بیشترین رضایت در مردان و زنان گروه‌هایی مشاهده شد که زوجین هر دو نوروزگرایی پایینی داشتند و کمترین رضایت نیز در گروهی مشاهده شد که هر دو زوج، نوروزگرایی بالایی داشتند. در توجیه این نتایج ابراز داشتند که تمایل عمومی به تجربه عواطف منفی مانند ترس، غم، عصبانیت، احساس گناه و نفرت، مجموعه نوروزگرایی را تشکیل می‌دهد و مردان و زنان نوروزگرا نسبت به سایرین بسیار ضعیف‌تر با تنش کنار می‌آیند، عواطف غیرمنطقی‌تری دارند و در راهبردهای مقابله‌ای با مشکلات ضعف دارند. از سوی دیگر، افراد با نوروزگرایی پایین، به دلیل داشتن ثبات عاطفی، آرام و راحت هستند، به نحوی که بدون آشفتگی و اضطراب با موقعیت‌های تنش‌زا مواجه می‌شوند. همچنین Rao Kyser نیز در پژوهش خود گزارش کردند، آنچه زمینه فاصله گرفتن و جدایی زناشویی را در افراد نوروزگرا فراهم می‌کند، تمایل آنها به هیجان‌پذیری منفی در تعارض‌های زناشویی می‌باشد. در واقع، دمدمی مزاج بودن و زودرنجی این افراد در موقعیت‌های بحرانی، زوجها را در یک دور باطل تعاملات منفی گرفتار می‌سازد که به علت استفاده افراد نوروزگرا از راهکار اجتناب، این تسلسل ممکن است تا دل‌زدگی و جدایی زناشویی ادامه پیدا کند. همچنین Nisczota نیز در پژوهش خود گزارش نمود نوروزگرایی به معنی چشم‌پوشی ضعیف در مقابل تنش یا گرایش به فروپاشی سازمان‌یافته رفتار در موقعیت‌های تعارضی یا ناکام‌کننده است. در واقع افراد با نوروزگرایی بالا، در برخورد با تعارض‌های بین فردی، بیشتر دست به رفتارهای اجتنابی و واکنش‌های هیجانی شدید می‌زنند؛ لذا تعارض را شدید و رفع آن را با مشکل مواجه می‌کنند.

در نهایت در ویژگی وظیفه‌شناسی دونلان و همکاران (۲۰۰۴) بین زوج‌های در معرض طلاق و عادی تفاوتی را به دست نیاوردند؛ اما در این پژوهش بین زوج‌های در معرض طلاق و زوج‌های عادی تفاوت معناداری به دست آمد. چند تبیین برای این یافته می‌توان مطرح کرد. نخست اینکه افراد وظیفه‌شناس به دلیل تعهد شخصی برای حفظ و ثبات روابط زناشویی خود تلاش هدفمند بیشتری انجام می‌دهند (جارویس، ۲۰۰۶). بنابراین زوج‌هایی که وظیفه‌شناسی بیشتری دارند با تلاش خود زندگی مشترکشان را حفظ می‌کنند و بیشتر احتمال دارد که برای بهبود زندگی زناشویی خود با جدیت به دنبال خدمات مشاوره‌ای و روان‌شناختی باشند. همچنین براساس نظر کوردک (۱۹۹۳) وجود سطوح بالای وظیفه‌شناسی باعث می‌شود فرد از نشان دادن رفتارهای خشونت‌آمیز در روابط زناشویی خودداری کرده و تکانه‌های خود را کنترل کند. از سوی دیگر، خوش‌قولی، دقت و قابل اطمینان بودن از ویژگی‌های مهم افراد وظیفه‌شناس است (گروسی فرشی، ۱۳۸۰). این ویژگی‌ها نیز در تعاملات آنها با همسرانشان تأثیر مثبتی دارد و رضایت زناشویی آنها را افزایش می‌دهد.

در نهایت می‌توان این چنین گفت که شخصیت با زیرساخت روانی روابط بادوام، رابطه دارد و بنابراین از پیش‌بینی‌کننده‌های کلیدی و اصلی موفقیت و شکست در ازدواج به‌شمار می‌رود. چنین به نظر می‌رسد که شخصیت، الگوهای تعاملی و حتی رضایت زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شاید بتوان گفت بسیاری از ناراضی‌های زناشویی در مؤلفه‌های رضایت زناشویی متأثر از ویژگی‌های شخصیتی افراد است.

بر اساس یافته‌ها مؤلفه دید مثبت از خدا و جوارجویی از مؤلفه‌های دلبستگی به خدا در مجموع ۱۵ درصد از واریانس طلاق عاطفی را تبیین می‌کنند. در این رابطه کُرک پاتریک (۱۹۹۹) نیز نشان داد که افراد مؤمن و کسانی که با خدا ارتباط و به او ایمان دارند؛ در واقع، تصور مثبتی از خدا دارند و با همسر خود مهربان هستند. بنابراین، تغییر شناختی و تفکر نتیجه ایمان به خداست. از سوی دیگر، الگوی برزش یافته نشان داد که ایمان خدامحورانه تبیین‌کننده کنترل زبان است. ارتباط با خدا و عشق به خدا موجب می‌شود نگرش فرد به همه هستی و زندگی انسان، هدف‌دار و معنادار باشد و در رفتارها، با انسجام، وحدت رویه و آرامش عمل کند. باور به خدا، همه رفتارهای کلامی و غیرکلامی را به سوی کسب رضایت خداوند سوق می‌دهد، هرچه این حالت قوی‌تر باشد، تقوا (از جمله در حیطه کلامی) فرد بیشتر خواهد بود (پناهی، ۱۳۸۹). بنابراین، ایمان خدامحورانه افزون بر اینکه در کنترل

افکار نقش دارد، در تقوای زبانی نیز می‌تواند مؤثر باشد. به هر حال، ایمان خدامحورانه می‌تواند به عنوان عاملی در کنترل رفتار باشد و بر اعضا و جوارح انسان مانند زبان نیز تأثیر بگذارد.

امان الهی، ایزدی پناه و سودائی (۱۳۹۴) در پژوهشی به این نتایج دست یافتند که بین سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی به خدا با کیفیت زناشویی رابطه منفی و بین مقدس دانستن ازدواج و صمیمیت معنوی با کیفیت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. همچنین تحلیل رگرسیون نشان داد متغیرهای مقدس دانستن ازدواج، صمیمیت، دلبستگی‌های اجتنابی و اضطرابی به خدا پیش‌بین‌های معنادار کیفیت زناشویی هستند. همچنین نتایج تحقیق فیض آبادی و خسروی (۱۳۸۸) نشان داد که بین سبک دلبستگی و تصور از خدا رابطه معناداری وجود دارد. همچنین میان زنان خواهان طلاق و غیر خواهان طلاق در نوع سبک دلبستگی و تصور از خدا تفاوت معناداری وجود دارد. به این معنی که زنان خواهان طلاق بیشتر سبک دلبستگی ناایمن (اضطرابی، اجتنابی) دارند و در مقابل تصور آنها هم از خدا منفی‌تر است.

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه مطالعه اسکیا (۲۰۱۸) نیز نشان داد که ۹٫۳۸ درصد سبک دلبستگی و تصور از خدا، بر اساس طلاق عاطفی تبیین می‌شود. نتین و کرات (۲۰۱۶) به این نتایج دست یافتند که سبک دلبستگی به خدا نیز توان پیش‌بینی طلاق عاطفی را دارند که این توان معنادار است.

نتایج حاصل از پژوهش حاضر، با یافته‌های اصغری و همکاران، امان الهی و همکاران و گودمن و همکاران همخوانی دارد، به این معنا که همواره توجه، اعتماد، توکل و ارتباط با خدا می‌تواند سبب ایجاد آرامش در روابط بین فردی و از جمله روابط بین زوجین و در نهایت رضایت زناشویی شود. همه این محققان در تحقیقات خود نتیجه‌گیری کردند که رابطه انسان با خدا می‌تواند نقش مهمی در زندگی زناشویی ایفا کند. در تبیین یافته‌های حاضر می‌توان اظهار داشت که در دوران کودکی، درونی‌سازی اولیه‌ای که فرد در ارتباط با والدین و دیگران صورت می‌دهد، بافتی را فراهم می‌نماید که این بافت به عنوان فیلتر شناختی برای تعبیر و تفسیر داده‌های درونی و بیرونی عمل می‌کند. این الگوهای درون‌سازی شده مثبت یا منفی نسبت به دیگران، علاوه بر کودکی، در بزرگسالی نیز در شکل‌دهی دلبستگی به خدا، مؤثر می‌باشد. از ویژگی‌های افراد با الگوی دلبستگی ایمن به خدا، داشتن الگوی درونی‌سازی

مثبت از خود و دیگران (خدا) است. بعد از شکل‌گیری دلبستگی ایمن با خدا، آنان در سایه اعتماد و توکل به خداوند به عنوان منبع حمایتی و پایگاه امن، با اعتماد به نفس بالایی با شرایط سخت مقابله می‌کنند. این افراد با اعتماد به خود و خداوند، موقعیت‌ها و شرایط را در کنترل دارند. خداوند به عنوان منبع و مبنای امنیت برای افرادی که دچار استرس و آشفتگی روانی هستند و همچنین به عنوان منبع حمایت‌کننده و مطمئن برای کشف و جستجو در محیط اطراف محسوب می‌شود. خدا از یک سو سبب شکل‌گیری رفتارهای دلبستگی مآبانه، مانند در جستجوی دیگران برآمدن و نزدیک شدن به دیگران و از سوی دیگر سبب برانگیخته شدن واکنش‌های خصمانه همانند غم و اندوه می‌شود. بنابراین می‌توان خداوند را به عنوان تکیه‌گاه دلبستگی به حساب آورد و پذیرفت؛ زیرا همان ویژگی‌هایی را که سایر تکیه‌گاه‌های دلبستگی دارند، او نیز دارا است.

فهرست منابع

• قرآن کریم

- احمدی، حسن (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: سمت.
- اسدی نوقابی، احمدعلی (۱۳۹۴)، *روان‌پرستاری (بهداشت روان ۲)*، تهران: بشری.
- استیل، لویی؛ کید، و تمن (۲۰۱۱)، *جامعه‌شناسی مهارت‌های خانواده*، ترجمه ولی‌الله کمالی (۱۳۹۰)، تهران: دانشگاه الزهراء ع.ج.ت.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: روشنگریان و مطالعات زنان.
- افروز، غلامعلی (۱۳۸۹)، *روان‌شناسی رابطه‌ها*، تهران: دانشگاه تهران.
- امان‌الهی، عباس؛ ایزدی پناه، محبوبه؛ سودائی، منصور (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی به خدا، مقدس دانستن ازدواج و صمیمیت معنوی با کیفیت زناشویی در دانشجویان زن متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز»، *دوفصلنامه مشاوره کاربردی*، (۱)، ص ۹۵-۱۱۱.
- انصاری، طاهره؛ عینی‌پور، جواد (۱۳۹۶)، «پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس طرحواره ناسازگار اولیه و سبک دلبستگی در زنان دار شهر رشت»، *همایش ملی رویکردهای نوین آموزشی و پژوهشی در تعلیم و تربیت*.
- باستانی، سوسن (۱۳۸۹)، «پیامدهای طلاق و استراتژی‌های مواجهه با آن»، *خانواده پژوهشی*، (۲۴) ۷، ص ۲۴۱-۲۵۷.
- بخارایی، اسماعیل (۱۳۹۶)، *جامعه‌شناسی زندگی خاموش در ایران (طلاق عاطفی)*، تهران: پژوهاک جامعه.
- بهرامی‌تتماج، اعظم (۱۳۹۲)، «طلاق و عوامل مؤثر بر آن»، *روزنامه رسالت*، شماره ۶۰۳۰.
- پورافکاری، نصرالله (۱۳۹۳)، *فرهنگ جامع روان‌شناسی-روان‌پزشکی*، تهران: نی.

- تایبر، ادوارد (۲۰۱۸)، **بچه‌های طلاق**، ترجمه توران دخت تمدن (۱۳۹۷)، تهران: روشنفکران.
- تبریزی، مصطفی؛ بابایی، مهرانه (۱۳۹۵)، **فرهنگی-توصیفی خانواده و خانواده درمانی**، تهران: فراروان.
- حق شناس، حسن (۱۳۸۸)، **طرح پنج عامل ویژگی‌های شخصیت (راهنمای تفسیر و هنجاریابی آزمون‌ها)**، شیراز: دانشگاه علوم پزشکی شیراز.
- حیدری، علیرضا؛ نامجوسنگری، زهرا (۱۳۸۹)، «بررسی مقایسه ناتوانی هیجانی، دلبستگی و استرس بین کارکنان مرد و زن متأهل شرکت ملی حفاری اهواز»، **یافته‌های نو در روان‌شناسی**، ۳(۲۰)، ص ۲۱-۴۰.
- خانجانی، زینب؛ عیدی، رقیه (۱۳۸۸)، «بررسی رضایت زناشویی در سبک‌های مختلف دلبستگی»، **فصلنامه علمی-پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز**، ۱(۳)، ص ۱۶۶-۱۹۱.
- دلاوری، مرتضی (۱۳۹۷)، «طلاق عاطفی، زلزله زندگی‌های جدید»، **مطالعات خانواده**، ۱(۱)، ص ۴۰-۵۶.
- دهقانی، محسن و اسماعیلیان، نسربین (۱۳۹۵)، «بررسی پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس تمایز یافتگی شخصیتی، اعتیاد به فضای مجازی و سبک‌های دلبستگی»، **فصلنامه خانواده‌پژوهشی**، ۱۲(۴)، ص ۵۷۵-۵۹۲.
- رجایی، علیرضا؛ نیری، مهدی؛ صداقتی، شیرین (۱۳۸۸)، «سبک‌های مختلف دلبستگی و رضایتمندی زناشویی»، **فصلنامه روان‌شناسان ایرانی**، ۳(۱۲)، ص ۳۴۷-۳۵۶.
- رنسون، جینی فرنس (۲۰۱۷)، **تأثیر طلاق بر کودکان**، ترجمه محدثه علیزاده (۱۳۹۵)، قم: پویان.
- ریتزر، جان (۲۰۰۹)، **نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر**، ترجمه محسن ثلاثی (۱۳۸۸)، تهران: جهاد دانشگاهی.
- زمانی، فاطمه؛ مینایی، اصغر؛ محمدی آریا، علیرضا (۱۳۹۶)، «مدل‌پردازی رابطه پنج عامل بزرگ شخصیت با طلاق عاطفی با استفاده از تحلیل مسیر در دانشجویان متأهل دانشگاه‌های شهر تهران»، **سومین کنفرانس روان‌شناسی و علوم رفتاری**.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۸)، **طلاق: پژوهش در شناخت واقعیت و عوامل آن**، تهران: دانشگاه تهران.
- سلیمان ریزی، محمد مهدی و اجتماعی سنگری، ندا (۱۳۹۱)، «بررسی اثر واسطه‌ای سبک‌های دلبستگی در رابطه طلاق عاطفی و علایم اضطراب و افسردگی در زنان متأهل»، **فصلنامه روان‌شناسی معاصر**، ۱(۷)، ص ۲۹-۳۳.
- سیف نراقی، مریم (۱۳۸۸)، **اختلالات رفتاری کودکان و روش‌های اصلاح و ترمیم آن**، تهران: بدر.
- شاکریان، عطاء (۱۳۹۰)، **مقایسه میزان شباهت و تضاد در ویژگی‌های شخصیتی با سازگاری زناشویی در مزدوجین شرکت‌کننده در جشن ازدواج دانشجویی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی کردستان، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- شالمو، سعید (۱۳۹۲)، **مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت**، تهران: رشد.
- شاهنظری، مهدی (۱۳۹۱)، «مدل‌یابی رضایتمندی زناشویی بر پایه سبک‌های دلبستگی و جهت‌گیری مذهبی»، **پژوهشنامه تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد**، ۱(۳۱)، ص ۱۳۴-۱۵۴.
- شعاری‌نژاد، علی اکبر (۱۳۹۴)، **روان‌شناسی عمومی**، تهران: سمت.

- شولتز، دوان؛ شولتز، پی (۲۰۱۵)، *نظریه‌های شخصیت*، یحیی سیدمحمدی (۱۳۹۵)، تهران: ویرایش.
- شهابی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۵)، «*بررسی رابطه سبک دلبستگی دوران کودکی، سبک دلبستگی بزرگسالان با سبک دلبستگی به خدا*»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- شیخ، مهدی؛ احمدی، خدابخش؛ غباری، بناب باقر (۱۳۹۳)، «نقش دلبستگی به خدا در سخت‌رویی و عزت‌نفس اجتماعی کارکنان نظامی»، *پرستار و پزشکی در رزم*، ۲(۴)، ص ۱۴۶-۱۵۲.
- صائمی، حسین؛ صادق مزجی، مرضیه (۱۳۹۶)، «بررسی وضعیت طلاق عاطفی و پیش‌بینی آن براساس ویژگی‌های شخصیتی و مؤلفه‌های رضایت زناشویی»، *فصلنامه دانش انتظامی سمنان*، ۷(۲۵)، ص ۱۳۹-۱۵۸.
- صفایی، سیدحسین (۱۳۹۵)، *حقوق خانواده*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- فیض‌آبادی، سلیمه؛ خسروی، زهره (۱۳۸۸)، «بررسی سبک دلبستگی و تصور از خدا در میان زنان خواهان طلاق و غیر خواهان طلاق شهرستان کاشان»، *فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۵(۳)، ص ۳۷-۵۴.
- غباری‌بناب، باقر؛ حدادی‌کوهسار، علی اکبر (۱۳۹۰)، «دلبستگی به خدا در بافت فرهنگ اسلامی: پایه‌های نظری، ساخت و رواسازی ابزار اندازه‌گیری»، *مجله روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۱(۴)، ص ۸۱-۱۰۶.
- قلی‌زاده، فرض‌الله (۱۳۹۶)، *روان‌شناسی شخصیت*، تبریز: هادی.
- کریم‌منصور، فاطمه (۱۳۹۶)، «*پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس تمایز یافتگی شخصیتی، اعتیاد به فضای مجازی و سبک‌های دلبستگی*»، کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روان‌شناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی.
- کریمی، یوسف (۱۳۹۲)، *روان‌شناسی شخصیت*، تهران: دانشگاه پیام نور.
- گری، نیومن (۲۰۱۱)، *طلاق و تأثیر آن بر کودک*، مترجم: فرناز فرود (۱۳۹۰)، تهران: صابرین.
- گلدنبرگ، ایرنه؛ گلدنبرگ، هربرت (۲۰۱۷)، *خانواده درمانی*، ترجمه حمیدرضا شاهی، تهران: روان.
- واهی، زهرا (۱۳۹۳)، *بررسی حقوق زنان در مسئله طلاق*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مامی، شهرام و عسکری، میترا (۱۳۹۳)، «*نقش تمایز یافتگی خود و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی طلاق عاطفی*»، همایش منطقه‌ای آسیب‌شناسی پدیده طلاق.
- محمدی، فریبرز (۱۳۹۳)، «عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی»، *مطالعات راهبردی زنان*، ۵۴(۱۴)، ص ۱۱۹-۱۵۳.
- محمدی فرد، زهرا؛ شهابی‌زاده، فاطمه و نصری، مریم (۱۳۹۳)، «*الگوی نمازخوانی و دلبستگی باگرایش به طلاق زوجین*»، اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- محمودی، غلامرضا (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و راهبردهای حل تعارض بر رضایتمندی زناشویی زنان»، *فصلنامه اندیشه و رفتار*، ۳(۱)، ص ۸۷-۱۰۱.
- نجفی توانا، داوود (۱۳۸۸)، «طلاق و اختلالات روانی و جنسی»، *مشاوره خانواده*، ۱(۱)، ص ۱۰.

- نجفی توانا، علی (۱۳۹۵)، *شخصیت بزهکار و مؤلفه‌های مؤثر بر آن*، تهران: آموزش و سنجش.
- نصوحیان، مینا (۱۳۹۱)، «بررسی مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دلبستگی زوجین در معرض طلاق و زوجین عادی شهر اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- نصیری، مژگان و محمدی نیا، ندا (۱۳۹۸)، «شیوع طلاق عاطفی دانشجویان و رابطه آن با ویژگی‌های شخصیتی»، چهارمین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- هدایتی، فاطمه؛ اطهری، زینب و محمدی، فاروق (۱۳۹۶)، «نقش ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دلبستگی در ثبات زندگی زناشویی»، سومین همایش تازه‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر.
- Aslade, E. (2009), Quality of life, psychological well-being, and sexual satisfaction in women with polycystic ovary syndrome, *Journal of Clinical Endocrinol Metabolism*, 88(12):5801-7.
- Askya, G. (2018), Investigating the Relationship between Attachment Style and the Imagination of God with Emotional Divorce, *The International Journal for the Psychology of Religio*, 25(6):120-140.
- Banes, R. Arrindell, K. P. (2016), Investigating the Relationship between Attachment Styles and Emotional Divorce, *Journal of Research & Health*, 3(1):321-334.
- Beck, L. McDonald, J. (2014), Parenting stress in mothers of children with an intellectual disability: The effects of parental cognitions in relation to child characteristics and family support, *Journal of Intellectual Disability Research*, 49(6): 405-418.
- Cassidy, J. Shaver, P. (2009), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications*, New York, NY: The Guilford Press.
- Chittick, W. (2009), *The vision of Islam: the foundation of Muslim faith and practice*, London: Tauris.
- Dejong, M. L. (2016), Investigating the Relationship between Personality Traits and Conflict Resolution Strategies on Emotional Divorce, *Journal of marriage and family*, 1(5):55-75.
- Fonagy, V. E. (2009), The spiritual dimension in existential analysis and logotherapy, *J Individ Psychol*, 15(4):157-165.
- Gottman, J. M., Silver, D. (2018), *What predicts divorce? The relationship between marital processes and marital outcomes*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Granqvist, P. Mikulincer, M. Shaver, P. (2010), Attachment theory and affect regulation: The dynamics, development, and cognitive consequences of attachment-related strategies, *Motivation and Emotion*, 27(1): 77-102.

- Granqvist, P. Hagekull, B. (2009), Religiosity, adult attachment, and why “singles” are more religious, *International Journal for the Psychology of Religion*, 10(4):111–123.
- Laur, H. Laur, J. c. (2017), *Marriage & family: The Quest for intimacy*, New York: McGraw Hill.
- Kirkpatrick, L. A. Shaver, P. R. (2010), An attachment theoretical approach to romantic love and religious belief, *Personality and Social Psychology Bulletin*, 18(1): 266–275.
- Klein, D. (2010), *Family theories: and introduction*, New York: free press.
- Kolak, D.A. (2017), Investigating the Relationship of Five Personality Factors and Emotional Divorce, *Personality and socialpsychology Bulletin*, (2):101–110.
- Mlshtyn, L. Creasey, A. (2018), Investigating the Relationship between, *Journal of Personality and Social psychology*, 55(9):450–460.
- Nbty, L. Crete, P.A. (2016), Predicting Emotional Divorce from Attitude to Love, Attachment to God, *The Journal of Positive Psychology*, 2(4):188–205.
- Oliver, A. (2015), A Comparison of Personality Traits and Its Dimensions in Divorced and Normal Couples, *uarterly Journal of Psychological Methods and Models*, 8(1):1–25
- Olson, H. Defrain, J. (2016), *Marriage & Families*, New York : Mc Graw Hill.
- Rowatt, W.C. Kirkpatrick, L.A. (2012), Dimensions of attachment to God and their subsequent attachment to affect, religiosity, and personality constructs, *Journal for the Scientific Study of Religion*, 41(4):637–651.
- Segalen, M. (2011), Historical anthropology of the family, Editions: H, Eliasi, Nashr markaz publishing, *Annual Review of Psychology*, 97(2): 197–201.
- Sim, T.N. Loh, B.S.M. (2013), Attachment to God: measurement and dynamics, *J of Social and Personal Relationships*, 20(3): 373–89.
- Simpson, J. A. (2009), Fearful avoidance, disorganization, and multiple working models: Some directions for future theory and research, *Attachment and Human Development*, 4(4):223–229.
- Wallchuk, E. (2016), Divorce in point of view of children, Nashr markaz publishing, *Annual Review of Psychology*, 52(1): 397–422.
- Waters, H. (2017), Cognitive underpinnings of narrative attachment assessment, *Journal of Experimental Child Psychology*, 71(4):211–234